

پایان نامه ۳ دانشجوی پاکستانی



حضور داشتند.

موضوع رساله: «تصحیح ملفوظات خواجه عبدالله احرار نقشبندی»

خواجه عبدالله احرار در ۸۰۶ هجری در تاشکند متولد شد و در ۸۹۵ ه در سمرقند وفات یافت و هه انجا مدفون شد. وی در عصر خود یکی از متنفذترین مشایخ طریقه نقشبندیه در ماوراءالنهر بود و بزرگان ادب و سیاست چونان عبدالرحمان جامی، میر علیشیرنویسی، سلطان ابوسعید و... از ارادتمندان او بودند. جامی مثنوی تحفة الاحرار را به نام او سروده است. ملفوظات یا سخنان خواجه احرار را داماد و مرید او میر عبدالاول نیشابوری متوفی ۹۰۵ ه تحریر و تدوین نموده است. در این مجموعه سخنان علاوه بر نکات بسیار ارزنده عرفانی، اطلاعات جانبی اجتماعی نیز آمده است. مثلاً احرار می گوید:

«در میان مردم هری [= هرات] ادب و حیا بسیار است. جماعتی ایتم در هری هرگز بلندتر از شتالنگ برهنه نمی دارند. طریقه های ایتم سمرقند سهل است. در بیرون دروازه فیروزآباد آبی است، بر کناره آب درختان اند. گاهی در آن سایه ها می نشستم. خردان و اطفال ایشان که در سن شش و هفت سالگی بودند هرگز برهنه در آب نمی در آمدند، به ازار می در آمدند. در این شهر [= سمرقند] این طور ادب و رعایت نیست. از این جهت مردم هری سمرقندیان را منکراند و به عدم حیا و برویت نسبت می کنند. و در میان مردم هری رسم است که وقتی که طعام در پیش دارند می باید که هر کس که می گذرد بی آنکه طلبند و مردمی کنند، زود و از آن طعام خورد. اگر احیاناً کسی نرود و شرکت نکند می رنجند و خواری می کنند.»

مصصح، ملفوظات احرار را با کمک پنج نسخه خطی متعلق به کتابخانه های پاکستان و هند و ایران تصحیح و مقابله کرده است. کهن ترین نسخه خطی آن در کتابخانه گنج بخش، اسلام آباد، با تاریخ کتابت ۹۴۶ ه مضبوط است. چاپ و انتشار ملفوظات احرار، گوشه های تاریک تاریخ اجتماعی و سیاسی ماوراءالنهر در قرن نهم را روشن خواهد کرد.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۲

۴ می ۱۹۹۳

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی

آقای عارف نوشاهی - تبعه پاکستان - دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی (مخصوص خارجیان)، از رساله دکتری خود دفاع کرد و این رساله با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت. و ایشان به عنوان دکتر زبان و ادبیات فارسی (مخصوص خارجیان) شناخته شد. اسانید محترم:

- دکتر اسماعیل حاکمی (راهنما)

- دکتر مظاهر مصفا (مشاور)

- دکتر مهدی محقق (مشاور)

- دکتر احمد تفضلی (مدیر بخش دانشجویان خارجی)

- دکتر ژاله آموزگار (استاد بخش دانشجویان خارجی)

و نیز تعدادی از دانشجویان پاکستانی - هندی - افغانی و ایرانی

تحصیلات خود را در محضر پدر به پایان رساند. وی از استادان عصر خود از قبیل میر محمد زمان راسخ سرهندی (م ۱۱۰۷هـ) میرزا عبدالقادر بیدل (م ۱۱۳۳هـ) و میر جمال الدین سیادت لاهوری کسب فیض کرد. و سرانجام شاعر معروف زمان خود گردید.

رایج از لحاظ مذهب و عقیده پیرو اصل تسنن بود ولی به مذهب تشیع نیز علاقه وافر داشت. وی هر دو مذهب سنی و شیعه را دوست داشت می توان گفت که رایج در زمان خود علمدار وحدت اسلامی بود.

رایج درباره عشق و علاقه خود به حضرت علی (ع) و آل او چنین اظهار می نماید:

رایج علی پرستم و قربان آل او

نی عشق آن و نی هوس این بود مرا

روز ازل از باده چو مستم کردند

پیمانہ ز وحدت کف دستم کردند

اندیشه غیر کفر الفت دانم

من عاشقم و علی پرستم کردند

رایج در سال ۱۱۵۰ هـ. ق در لاهور دیده از جهان فرو بست و جسدش را در سیالکوت به خاک سپردند.

رایج شاعر معروف عصر خود و از استادان فن به شمار می رفت. وی با شاعران نامور آن دوره از جمله شیخ ناصرعلی سرهندی (م. ۱۱۰۸هـ)، میرزا عبدالقادر بیدل و شاه آفرین لاهوری معاشرت و مصاحبت داشت. شعر او همه آن خصوصیات و صناعات ادبی را که در آنزمان در شعر فارسی متداول بود در بردارد. وی بیش از همه تحت تأثیر مولوی، حافظ، فردوسی و صائب تبریزی قرار داشته است. قابل توجه آنکه شاعر معروف فارسی و شاعر ملی پاکستان علامه دکتر محمد اقبال لاهوری از دیوان رایج بسیار بهره برده است.

دیوان رایج در یک نسخه منحصر به فرد در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان نگهداری می گردد و دارای ۳۶۸ برگ (در هر برگ ۱۹ بیت) و در مجموع ۱۲۴۵۱ بیت می باشد.

نمونه ای از شعر رایج:



۷ تیرماه ۱۳۷۲

۲۸ ژوئن ۱۹۹۳

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی

آقای محمد سرفراز ظفرملک - تبعه پاکستان - دانشجوی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی (مخصوص خارجیان) از رساله دکتری خود دفاع کرد و این رساله با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت و ایشان به عنوان دکتر زبان و ادبیات فارسی (مخصوص خارجیان) شناخته شد. در جلسه دفاع، اساتید محترم:

- دکتر اسماعیل حاکمی (راهنما)

- دکتر محسن ابوالقاسمی (مشاور)

- دکتر غلامرضا ستوده (مشاور)

- دکتر احمد تفضلی (مدیر بخش دانشجویان خارجی)

- دکتر ژاله آموزگار (استاد بخش دانشجویان خارجی)

و تعدادی از دانشجویان پاکستانی، هندی، افغانی و ایرانی حضور داشتند.

موضوع رساله: «تحقیق در احوال و آثار میر محمدعلی رایج سیالکوتی و تصحیح دیوان او».

میر محمدعلی رایج از خانواده سادات ترشیز بود که نیاکانش در نیمه دوم قرن چهارم هجری مهاجرت نموده در سیالکوت (پاکستان) سکونت گزیدند. رایج همین جا در سال ۱۰۵۰ هـ. ق با به عرصه حیات نهاد. اسم پدرش میر دوست محمد متخلص به صانع بود. رایج



زبان و ادبیات فارسی (مخصوص خارجیان)، از رساله دکترای خود دفاع کرد و این رساله با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت و ایشان به عنوان دکتر زبان و ادبیات فارسی (مخصوص دانشجویان خارجی) شناخته شد. در جلسه دفاع اساتید محترم:

- دکتر اسماعیل حاکمی (راهنما)
- دکتر محسن ابوالقاسمی (مشاور)
- دکتر جلیل تجلیل (مشاور)

و نیز تعدادی دیگر از اساتید و دانشجویان پاکستانی، ایرانی، افغانی، لهستانی و هندی حضور داشتند.

موضوع رساله: **تصحیح و تحقیق و توضیح سراج الصالحین**

کتاب سراج الصالحین در قرن دهم هجری در ماوراءالنهر به نگارش درآمده - مؤلف این کتاب بدرالدین بن عبدالسلام اهل کشمیر (شبه قاره هند و پاکستان) بوده - وی در سال ۹۸۶ هـ در مرو در خدمت صوفی یونس محمد یکی از مشایخ بزرگ سلسله نقشبندیه، رسیده و فقط یک اربعین در خدمت مراد بوده که آن مراد به فضای الهی در گذشته - وی احوال و سخنان و تعلیمات مرشد خویش را در این کتاب گرد آورده است.

از تنوع مطالب سراج الصالحین استنباط می شود که مؤلف این کتاب در علوم متداوله عصر خویش بهره کافی داشته، زیرا این کتاب، مضامین متنوعی از آیات، اخبار، تمثیلات، ضرب الامثال، اقوال بزرگان، حکایات عرفانی و حتی شطحیات سرفروشان تصوف و منظومه های صوفیانه را در بردارد.

کتاب مذکور روابط دیرینه معنوی، زبانی، دینی، فرهنگی و تاریخی را که در قرن های متمادی مابین ماوراءالنهر و شبه قاره هند و پاکستان وجود داشته، نشان می دهد و از نظر تاریخی و فرهنگ ایران باستان اهمیت فوق العاده دارد.

بدرالدین یک شاعر پرگو و نویسنده پرکاری بوده و آثار متعددی را بوجود آورده که در کتابخانه های آسیای میانه و پاکستان و انگلیس مضبوط می باشد - این امر باعث تأسف است که تاکنون هیچ کتابی از این مؤلف مورد توجه دانشمندان قرار نگرفته و خود وی در دنیای ادب و عرفان ناشناخته مانده است.

* گرچه ظاهر ز کف خاک سرشتند مرا

باطن از جوهر ادراک سرشتند مرا

* هر کرا چشمی بران چشم قیامت زافتاد

کرد بیتابانه آه، از دست رفت، از پا افتاد

* می بده ساقی چمن را در کنار آمد بهار

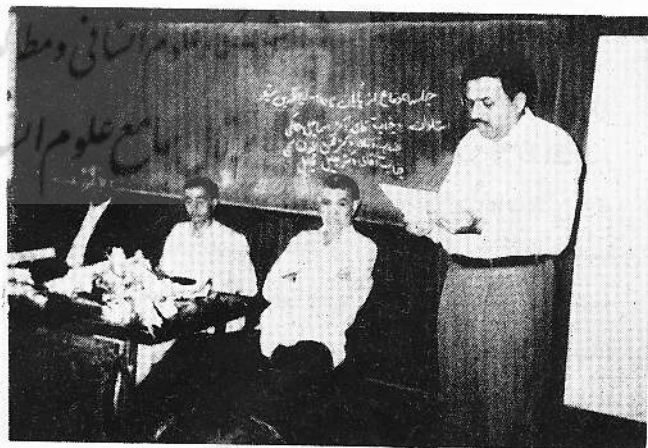
لاله و گل جوش زد دیگر بهار آمد بهار

* دل را ز برق جلوه او شاد می کنم

آتش زدم به خانه و آباد می کنم

* تا کی به نعمت این همه مغرور می روی

آخر چو لقمه در دهن گور می روی



۱۴ تیرماه ۱۳۷۲

۵ ژولای ۱۹۹۳

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی

آقای سید سراج الدین - تبعه پاکستان - دانشجوی دوره دکترای